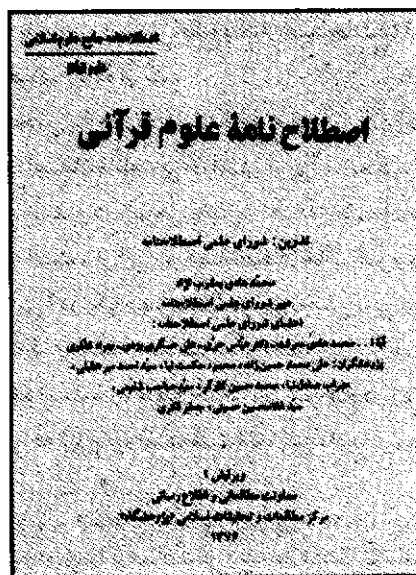


سیری در

«اصطلاح نامه علوم قرآنی»^۱

محمدعلی رضایی کرمانی



اصطلاح نامه، علوم قرآنی، شورای علمی اصطلاح نامه، مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی، دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ۱۳۷۶ ش، ۱۸+۳۶۸ ص، رحلی.^۲

اصطلاح (Term) واژه یا عبارتی مشخص است که برای گروهی از مردم معنای محدودی داشته و با معنای لغوی خود پیوند ویژه‌ای پدید آورده است.^۳ اصطلاح نامه (THESAURUS) عبارت است از یک واژگان ساخت دار که روابط بین مفاهیم را از طریق تعیین روابط بین اصطلاحاتی که بیان کننده آن مفاهیم هستند، ارائه می کند.^۴ از این رو، اصطلاح نامه در حقیقت با واژه نامه، لغت نامه، سر عنوان موضوعی، و نمایه، جدایی آشکاری دارد، هرچند

همگی در یک حوزه مشخص از علوم بشری و در یک شاخه مشخص از علم قرار می گیرند.^۵

از مشهورترین اصطلاح نامه ها، اصطلاح نامه یونسکو [Unesco thesaurus] (با ویرایش های گوناگون) درباره اطلاعات علمی-فنی، اصطلاح نامه اریک (Thesaurus of Eric) درباره تعلیم و تربیت، و به زبان فارسی، اصطلاح نامه فرهنگی فارسی (اصفا) و اصطلاح نامه نظام مبادله اطلاعات (نما)، [ترجمه اصطلاح نامه اسپانز، ویرایش دوم اصطلاح نامه یونسکو] است.^۶

اصطلاح نامه نویسی در حوزه علوم و معارف اسلامی از پژوهش هایی بوده است که همگان از دیرباز ضرورت تدوین آن را پی برده و شاید گام هایی لرزان در آن مسیر پیموده بودند، ولی گستردگی علوم اسلامی و اختلاف آرا و فراوانی منابع و مآخذ، لزوم یک پروژه ملی را برای این امر طلب می کرد که در دستور کار بودجه ملی کشور در زمینه پژوهش های ملی قرار گیرد تا با یاری همه متخصصان و اندیشمندان حوزه و دانشگاه، این مهم

۱. قبل از تدوین مقاله، در چند نشست دوستانه با پدیدآورندگان و پژوهشگران گرامی «اصطلاح نامه علوم قرآنی»، از چند و چون کار، ریزه کارهای تدوین کتاب، کمبودها در مسیر پژوهش. تلاشها و زحمات پوشیده پژوهش، آگاه شده و درباره کاستی های کتاب به گفتگو نشستیم.

۲. شورای علمی اصطلاح نامه که مسؤولیت تدوین این اصطلاح نامه را پذیرفته اند، عبارتند از: آیه الله محمد هادی معرفت، دکتر عباس حرّی، (حجج اسلام آقایان): محمد هادی یعقوب نژاد، جواد غفاری، علی عسگری یزدی، و با تلاش و همکاری گروهی دیگر از پژوهشگران.

۳. شریف جرجانی (علی بن محمد)، التعریفات، المطبعة الخیریه، مصر، ۱۳۰۶ ق، ص ۱۳.

۴. ملوک السادات بهشتی و دیگران، اصطلاح نامه نظام مبادله اطلاعات (نما)، مرکز اطلاعات و مدارك علمی ایران، تهران، ۱۳۷۵ ش، ص ۵ (مقدمه).

۵. رك: اصطلاح نامه علوم قرآنی، ص ۱۳-۱۶ و ۲۶-۲۸.

۶. رك: اشرف السادات فولادی، کتابشناسی اصطلاح نامه ها، مرکز اطلاعات و مدارك علمی ایران، تهران، ۱۳۷۲ ش؛ و اصطلاح نامه علوم قرآنی، ص ۲۰.

جامه تدوین به خود گیرد.

مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی وابسته به دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، در این مسیر نخستین گام را پیش نهاد و پژوهش و تدوین این پروژه بزرگ پژوهشی را پذیرفت. طرحی که هم اینک یکی از محصولات آن (اصطلاح نامه علوم قرآنی) در دسترس قرآن پژوهان و دستداران علوم قرآنی قرار گرفته است.^۷

ساختار «اصطلاح نامه علوم قرآنی»^۸

کتاب با یک مقدمه نسبتاً طولانی (۸۷ص) و در سه بخش سامان یافته است. در مقدمه از اصطلاح، اصطلاح نامه، تاریخچه آن، فرق آن با واژه نامه و لغت نامه، اصطلاح نامه های انگلیسی و فارسی، اصطلاح نامه علوم اسلامی، و اصطلاح نامه علوم قرآنی و... سخنانی آورده شده که سودمند، خواندنی و برای راهیابی به کتاب ضروری است؛ ولی از ریزه کاری های تدوین کتاب و پذیرش و رد برخی از اصطلاحات و نکات مهم درباره برخی از ارتباطات منطقی اصطلاحات، سخن به میان نیامده است، از این رو خواننده باید خود از استقرار سیره عملی کتاب به برخی از قواعد تدوین آن دست یابد.

بخش اول کتاب، نمایش الفبایی اصطلاحات است که صفحات ۳۲۳-۳۲۴ کتاب را به خود اختصاص داده است. در این بخش همه اصطلاحات پذیرفته شده، براساس حروف الفبا، سامان یافته و در زیر بخش هر اصطلاح مرجع (اصطلاحی که نسبت به مترادفاتش رجحان دارد) به تناسب، اصطلاحات رأس، وابسته، اعم، اخص، غیر مرجع و نیز یادداشت دامنه (توضیح مختصر درباره اصطلاح) و عبارت راهنما، آورده شده است، مانند:

آیات

[یادداشت دامنه] ی. د: اسامی آیات قرآنی که به لحاظ مورد، اخص آیاتند به مدخل اسامی آیات ارجاع داده شده است.

[اصطلاح غیر مرجع] بیج: آیه

[اصطلاح اعم] ا. ع: تقسیمات شکلی قرآن

[اصطلاح اخص] ا. خ: آیات آفاقی

[و (۶۰) اصطلاح اخص دیگر]

[اصطلاح وابسته] ا. و: آخرین آیه

[و (۲۵) اصطلاح وابسته دیگر]^۹

در زیر هر اصطلاح غیر مرجع (اصطلاحی که شهرت آن به

گونه ای نیست که رجحان داشته باشد) نیز تنها اصطلاح مرجع (مترادف و شبه مترادف غیر مرجع) با علامت اختصاری (بک) آورده شده است،^{۱۰} مانند:

آیه تسمیه بک: آیه بسمله

القاب آیات بک: اسامی آیات^{۱۱}

آگاهی از چگونگی ارتباطات ششگانه اصطلاحات با یکدیگر بسیار سودمند و مفید است و در حقیقت، هنر اصطلاح نامه، همین نمایش اصطلاحات اعم، اخص، وابسته، رأس و غیر مرجع، برای اصطلاح مرجع است. و نیز سختی کار در تدوین اصطلاح نامه، همان ایجاد روابط منطقی و نظام مند در میان اصطلاحات است که با نوعی اجتهاد خاص از جانب اصطلاح نامه نویسان و به کارگیری سیستم منطقی، می توان به آن دست یافت.

بخش دوم کتاب که نمایش دومی از همان اصطلاحات بخش اول است، با عنوان «نمایش نظام یافته» صفحات ۳۲۵-۴۴۲ را به خود اختصاص داده است.

در این بخش یازده رده عمده علوم قرآنی که اساس کار نویسندگان اصطلاح نامه بر آن استوار بوده، به گونه الفبایی ردیف شده است و در زیر هر بخش، اصطلاحات آن به صورت الفبایی آمده است، از این رو همه اصطلاحات علوم قرآنی را به گونه الفبایی (در یک فهرست) در این بخش نمی توان یافت، افزون بر آن که اصطلاحات اعم و اخص در زیر هر اصطلاح مرجع نیامده است، و اصطلاحات غیر مرجع در ردیف اصلی الفبایی هر رده (با حروف درشت) نمایش داده نشده، بلکه در

۷. هم زمان با نشر «اصطلاح نامه علوم قرآنی»، «اصطلاح نامه فلسفه اسلامی» در دو جلد، با همان شکل و ساختار منتشر شده است. و دیگر اصطلاح نامه های علوم اسلامی نیز در دستور کار (پژوهش و تدوین) این مرکز قرار دارد.

۸. علوم قرآنی به دانش هایی گفته می شود که درباره عوارض ذاتی و اختصاصی قرآن کریم به بحث و بررسی پرداخته و موضوع در همگی آنها قرآن است، همچون: اسباب نزول، محکم و متشابه، ناسخ و منسوخ، و...، از این رو «اصطلاح نامه علوم قرآنی»، اصطلاحات مفاهیم و معارف قرآنی را دربر ندارد، همچون: ایمان، نبوت، معاد و... .

۹. اصطلاح نامه علوم قرآنی، ص ۱۰۱. اصطلاح «آیات»، اصطلاح رأس و عبارت راهنما ندارد.

۱۰. در زیر اصطلاح غیر مرجع (غیر توصیفگر)، تنها علامت اختصاری (بک) و اصطلاح مرجع وجود دارد، و اصطلاحات اعم، اخص، وابسته، یادداشت دامنه و عبارت راهنما دیده نمی شود و براساس یک سیر منطقی تنظیم شده است، (بجز چند مورد که از این اصل پیروی نکرده است، مانند: ص ۱۰).

۱۱. اصطلاح نامه علوم قرآنی، ص ۱۰ و ۱۴.

۷. مدرّسان علوم قرآنی را در طوبح بحث های گوناگون یاری می‌رساند.

۸. راه را برای نمایه سازان متون علوم قرآنی (و دیگر متون دارای بحث های علوم قرآنی) هموار می‌کند.

کاستی های «اصطلاح نامه علوم قرآنی»

الف. کاستی های منابع و مآخذ «اصطلاح نامه»^{۱۵}

آن گونه که از فهرست منابع و مآخذ (کتابنامه) برمی آید، در تدوین این اصطلاح نامه از حدود ۲۷۰ عنوان کتاب بهره برداری شده است که بعد از جستجو و تأمل در آن، کاستی های زیر به چشم آمد:

۱. با توجه به گستردگی مباحث علوم قرآنی و نیز فراوانی اصطلاحات آن، لزوم بهره گیری از منابع و مآخذ گسترده، براساس یک تقسیم منطقی و نظام مند احساس می‌شود. شاید توان گفت که مآخذ این کتاب نسبتاً محدود بوده و بر رده های یازده گانه پذیرفته شده علوم قرآنی - که تدوین این اصطلاح نامه

۱۲. سخن درباره پذیرش این یازده رده اصلی، به عنوان زیر مجموعه های عمده علوم قرآنی، جای دیگری را می‌طلبند، ولی باید یادآور شد که برخی از رده ها اخص از دیگری است، همچون: «شناخت قراءت و تجوید قرآن» و «شناخت قراءت و قراءه». و در زیر بخش «شناخت تاریخ قرآن» فقط اصطلاحات بحث های «اسباب نزول، جمع قرآن، رسم الخط قرآن، نزول قرآن» ردیف شده است.

۱۳. اصطلاح نامه علوم قرآنی، ص ۴۴۵.

۱۴. اصولاً اصطلاح نامه هر علمی به فراخور آن علم، می‌تواند همه یا برخی از این امتیازات را به صورت اعم داشته باشد.

۱۵. فهرست مآخذ و منابع (کتابنامه) حدود هفده صفحه از پایان کتاب را به خود اختصاص داده است، که افزون بر حدود ۲۷۰ عنوان کتاب، عنوان ده مجله در حوزه علوم اسلامی (قرآنی و غیر قرآنی) و نه پایان نامه و جزوه نیز به چشم می‌خورد. این فهرست بسیار ناهماهنگ و ناموزون است و کاستی های صوری فراوان دارد که به برخی از آنها اشاره می‌شود: نیاوردن علائم اختصاری (ق، ش، م = قمری، شمس، میلادی) بعد از سال نشر (به جز در چند مورد)، نیاوردن علائم اختصاری (بی جا، بی نا، بی تا = بدون مکان نشر، بدون ناشر، بدون تاریخ) به جز در چند مورد، نیاوردن تعداد مجلدات کتاب (به جز در چند مورد)، تقدیم و تأخیر در یاد کردن از مکان نشر و ناشر (در موارد فراوان)، اشتباه در یادآوری نام های نویسندگان، اشتباهات چاپی، اشتباه در ردیف الفبایی نام های نویسندگان، تبدیل نام های عربی به فارسی و بالعکس، نام بردن از یک ناشر با اسامی و القاب گوناگون، تکرار کتابها به علت پنداشتن دوگانگی آنها (شش مورد)، ذکر القاب نویسندگان و احتساب آن در ردیف الفبایی (همچون: حاکم، شیخ)، نیاوردن چندمین چاپ کتاب (به جز در چند مورد)، احتساب حرف «ال» در فهرست الفبایی، یاد کردن از یک نویسنده با چند اسم و لقب، پنداشتن مترجم به جای مؤلف، و ...، گویا این فهرست به دست ویراستار سپرده نشده است.

زیر اصطلاح مرجح آمده است. به سخن دیگر، در زیر بخش هر اصطلاح، علائم اختصاری (بک)، (ا.ع)، (ا.خ) دیده نمی‌شود.

یازده رده عمده پذیرفته شده در این اصطلاح نامه که مجموعه اصطلاحات علوم قرآنی در زیر بخش این یازده رده فهرست می‌شوند، بدین گونه است: شناخت اسلوب ادبی قرآن، شناخت اعجاز قرآن، شناخت اوصاف و فضایل قرآن، شناخت تاریخ قرآن، شناخت ترجمه و مترجمان قرآن، شناخت تفسیر و مفسران، شناخت تقسیمات قرآن، شناخت دلالت الفاظ قرآن، شناخت قراءات و قراءه، شناخت قراءت و تجوید قرآن، شناخت کلمات و حروف قرآن.^{۱۲}

در بخش سوم کتاب که صفحات ۴۴۵-۴۶۸ را دربر گرفته است، نمایش سلسله مراتبی اصطلاحات به چشم می‌خورد. این بخش شبیه «نمایش نظام یافته» است، با این تفاوت که تنها رابطه اعم و اخص اصطلاحات به شکل دوبعدی (حاکم و تابع) ترسیم شده است، بدین گونه:

علوم قرآنی

. شناخت اسلوب ادبی قرآن

.. اسلوب بلاغی قرآن

... اسلوب بدیعی قرآن

... ابداع^{۱۳}

[وده ها اصطلاح دیگر]

بخش دوم و سوم کتاب در راهیابی به چگونگی ارتباط بین اصطلاحات (ترسیم درختی) بسیار کارساز، سودمند و دیدنی است.

امتیازات «اصطلاح نامه علوم قرآنی»^{۱۴}

۱. نخستین اصطلاح نامه علوم قرآنی در حوزه فرهنگی عرب زبانان و فارسی زبانان است.

۲. استخوان بندی علوم قرآنی را به نمایش می‌گذارد.

۳. رابطه اصطلاحات مترادف، اعم، اخص و وابسته را با یکدیگر تبیین می‌کند.

۴. مفاهیم علوم قرآنی را - که نهفته در پشت اصطلاحات است - به ذهن خواننده انتقال می‌دهد.

۵. نویسندگان مقالات و کتاب های علوم قرآنی را یاری رسانده، در پژوهش های گسترده علوم قرآنی و تدوین پایان نامه ها، سودمند و کارساز است.

۶. در تدوین دایرة المعارف علوم قرآنی، و یافتن مدخل های مناسب، کارساز و همراه است.



بر آن اساس است و نیز دیگر مفاهیم عمده علوم قرآنی- سرشکن نشده است؛ مثلاً حدود پنجاه اصطلاح (مرجّح، غیر مرجّح، اعم، اخص، وابسته) درباره «ناسخ و منسوخ» در اصطلاح نامه وجود دارد که از شانزده عنوان کتاب اختصاصی «نسخ» استخراج شده است (بجز کتاب های عمومی علوم قرآنی). این بهره گیری و استحصال بر اساس شمارش کتاب ها و تعداد اصطلاحات، منطقی و پذیرفتنی است، ولی از تفاسیر کامل قرآن فقط به هشت عنوان تفسیر برمی خوریم و یا از مجموع منابع و مآخذ، حدود پنجاه عنوان کتاب را نوشته دانشمندان علوم قرآنی متقدم می یابیم (حدود ۱۵٪). همچنین در بحث «قراءات و تجوید قرآن» فقط دو کتاب اختصاصی از متقدمان را می یابیم. پرواضح است برای مقایسه اصطلاحات تخصصی یک علم در گذشته و حال، نگرستن در منابع متقدمان، متأخران و معاصران، برای دستیابی به سیر تطور و تحول اصطلاحات (در صورت وجود آن) و اطمینان از صحت و استناد اصطلاح، امری ضروری و منطقی است.

۲. در فهرست مآخذ به کتاب هایی برمی خوریم که ترجمه متون تخصصی قرآنی است، از این رو از متن اصلی آن استفاده نشده است؛ مثلاً از ترجمه های کتاب های «حقائق هامة حول القرآن الکریم، سید جعفر مرتضی عاملی»، «المعجزة الکبری، محمد ابوزهره»، «التصویر الفنی فی القرآن» و «فی ظلال القرآن، سید قطب» اصطلاحات و مفاهیم، استخراج شده، ولی دست کم در کنار ترجمه به متون اصلی نگریسته نشده است، زیرا چه بسا مترجمی در برگردان اصطلاح به فارسی و معادل یابی آن دقت شایسته را به کار نبسته است، چون هدف اصلی او ترجمه متن است، نه گذاردن برابر مناسب برای هر اصطلاح.

۳. برخلاف آنچه در مقدمه کتاب آمده است، از فهرست مآخذ چنین برمی آید که در تدوین اصطلاح نامه، از لغت نامه ها، فرهنگ ها، دایرة المعارف ها، کتابشناسی ها (قرآنی و یا علوم قرآنی)، معجم ها، و فهرست موضوعی تفاسیر به ندرت استفاده شده است.^{۱۶}

۴. از تلاش های مؤسسات و مراکز پژوهشی که به گونه تخصصی و یا عمومی درباره علوم قرآن پژوهش هایی را اندوخته اند، بهره چشمگیری نبرده است.^{۱۷}

ب. حذف بسیاری از اصطلاحات و مفاهیم علوم قرآنی

در یک بررسی منطقی و مقایسه اصطلاحات با یکدیگر و ارتباط بین آنها، و با نگرستن در چند مآخذ علوم قرآنی، درمی یابیم که اصطلاحات فراوانی آورده نشده است، چه

اصطلاحات مرجّح (توصیفگر)، چه اصطلاحات غیر مرجّح (غیر توصیفگر)، و چه اصطلاحاتی که آوردن آنها با سبک و سیاق اصطلاح نامه- آن گونه که در مقدمه آمده و از سیره عملی آن پیدا است- سازگار است.

۱. حذف اصطلاحات مرجّح (توصیفگر)

برخی از اصطلاحات مرجّح (توصیفگر)- که دیگر اصطلاحات مترادف به آنها ارجاع داده می شود- آورده نشده و بدیهی است در این گونه موارد، اصطلاحات غیر مرجّح نیز که ممکن است در یک مورد فراوان باشد، به پیروی از اصطلاح مرجّح ذکر نشده است. در نمونه هایی که یادآور می شویم برخی از اصطلاحات مرجّح، بسیار مشهور و در مآخذ، فراوان آمده است و برخی دیگر شهرت کمتری دارد. اینک واژه هایی را که در یک بررسی به نبود آنها پی بردیم، فهرست گونه یادآور شده و به برخی از مآخذ آنها اشاره می کنیم.

اتجاهات تفسیری (گرایش های تفسیری)

اختلاف رسم الخط مصاحف عثمانی

اختلاف مفسرین

افراد قرآن^{۱۸}

أشد آیات

أعظم آیات

أنتقی آیات

أخوف آیات

أرجی آیات

أحب آیات

أعدل آیات

أشکل آیات

۱۶. اصطلاح نامه علوم قرآنی، ص ۶۸. مثلاً با وجود چندین کتابشناسی علوم قرآنی مشهور، همچون: معجم الدراسات القرآنیة، ابتسام مرون صفار؛ معجم مصنفات القرآن الکریم، علی شواخ اسحاق؛ معجم الدراسات القرآنیة، عبدالجبار رفاعی [ویژه مقالات قرآنی]، فقط از کتابی مختصر و محدود (کتابشناسی قرآن و علوم قرآنی، سلطانی فر و حکیم سیما) در این باره سود جسته است.

۱۷. مثلاً از مرکز ترجمه قرآن مجید به زبانهای خارجی در قم که فهرست ترجمه ها و مترجمان قرآن را دارا بوده و خود ترجمه های گوناگونی را به زبانهای مختلف دنیا دارد (برای تدوین اصطلاحات «ترجمه های... قرآن» و «مترجمان... قرآن» که حدود ۱۵۰ اصطلاح است)، بهره گیری نشده است.

۱۸. جلال الدین سیوطی، الاتقان فی علوم القرآن، ج ۲، منشورات رضی و بیدار، قم، ۱۳۶۳ ش. ج ۱ (جزء ۲) ص ۱۵۶.

«اختلاف قراءات در حرکات»، «اختلاف قراءات نبی (ص)، و ...^{۲۳}؛ از این رو سزاوار است دو اصطلاح «اختلاف مفسرین» و «اختلاف رسم الخط مصاحف عثمانی» که در مآخذ فراوان آمده است، فهرست شود.

همچنین در حرف «الف»، اصطلاح «أفضل آیات» را می بینیم،^{۲۴} از این رو اصطلاحات «أشد آیات»، «اعظم آیات» و ... و یا برابری فارسی آنها، سزاوار است در اصطلاح نامه آورده شود، زیرا در منابع علوم قرآنی این اصطلاحات در یک فصل و در یک ردیف آمده است.^{۲۵}

۲. حذف اصطلاحات غیر مرجح (غیر توصیفگر)

در اصطلاح نامه برای یک اصطلاح مرجح (توصیفگر)، چندین اصطلاح مترادف و شبه مترادف ردیف شده و همگی آنها به اصطلاح مرجح ارجاع شده است، از این رو یاد کردن از همه اصطلاحات مترادف و شبه مترادف مشهور (غیر مرجح) ضروری است. ولی پس از بررسی روشن می شود که اصطلاحات غیر مرجح فراوانی وجود دارد که به اصطلاح مرجح ارجاع نشده است. برای نمونه به فهرست زیر بنگرید:^{۲۶}

- اصول تفسیر ← قواعد تفسیر
- اشباه و نظایر ← وجوه و نظایر
- احرف سبعة ← سبعة احرف
- احکام قرآن ← آیات الاحکام
- فقه قرآن ← آیات الاحکام
- ادوات تدوین قرآن ← وسایل کتابت قرآن
- ابزار کتابت قرآن ← وسایل کتابت قرآن
- استظهار قرآن ← جمع قرآن

۱۹. از اصطلاحات زیربخش «اسلوب بدیعی قرآن» است.

۲۰. این اصطلاح و بعدی آن، به خاطر اهمیت و شهرت فراوان آن فهرست شده است و گرنه چهارده روایت از قراء سبعة می تواند فهرست شود.

۲۱. اصطلاحاتی نیز که در داخل پرانتز آمده است، در «اصطلاح نامه علوم قرآنی» فهرست نشده است.

۲۲. این اصطلاح از اصطلاحات سبک های تفسیر قرآن است.

۲۳. اصطلاح نامه علوم قرآنی، ص ۱۱۵-۱۱۶.

۲۴. همان، ص ۱۴۷.

۲۵. الاتقان فی علوم القرآن، ج ۲ (جزء ۴)، ص ۱۴۸-۱۵۷. یا دست کم اصطلاح «ارجی آیات» که می تواند شهرت «افضل آیات» را داشته باشد، فهرست شود و یا هیچ کدام آورده نشود.

۲۶. در این فهرست، سبک و سیاق «اصطلاح نامه علوم قرآنی» نیز مورد نظر بوده است، از این رو برخی از ارجاعات فقط با روش این اصطلاح نامه سازگار است. بدیهی است در این فهرست، اصطلاحات سمت راست در اصطلاح نامه نیامده است و اصطلاحات مقابل فلشها (←) در اصطلاح نامه موجود است.

عجاز عدم تناقض قرآن

اسرائیلیات

افضل قراءات

ائتلاف^{۱۹}

تفسیر اتباع تابعین (تفسیر تابعین تابعین)

بیت المعمور

تفسیر کبیر (مبسوط)

تفسیر وسیط

تفسیر وجیز (مختصر)

سیاق آیات

بدء الوحی (آغاز وحی)

رسم الخط سلطانی (رسم سلطانی، خط سلطانی، قرآن

سلطانی)

تذهیب قرآن

تاریخ تذهیب قرآن

تاریخ چاپ قرآن

جبرئیل (فرشته وحی)

اجتهادیت ترتیب سور

اجتهادیت ترتیب آیات

اجتهادیت اسامی سور

توقیفیت ترتیب سور

توقیفیت ترتیب آیات

توقیفیت اسامی سور

تصحیف

حلیة القرآن

تجرید القرآن

تجرید مصاحف

روایت ورش از نافع^{۲۰}

روایت حفص از عاصم

مراعاة النظر (توافق، تناسب)^{۲۱}

تفسیر جامع^{۲۲}

مشکل اعراب قرآن

تحسین رسم الخط مصاحف

هرچند برخی از اصطلاحات یاد شده در نگاه نگارنده اصطلاح نبوده و یا از اصطلاحات رایج نیست، ولی آوردن آنها با سبک و سیاق «اصطلاح نامه علوم قرآنی» سازگار است، از این رو به توضیح چند مورد از این دست اشاره می کنیم.

در حذف «الف» به^{۲۲} اصطلاح مرکب برمی خوریم که با واژه «اختلاف» شروع شده است، همچون: «اختلاف لغات»،



اشباه ← آیات مشتبه
 الفاظ غیر حجازی قرآن ← کلمات غیر معرّب قرآن
 الفاظ غیر معرّب قرآن ← کلمات غیر معرّب قرآن
 انقطاع وحی ← فترت وحی
 اوائل سور ← فواتح سور
 ایحاء ← وحی
 انزال قرآن ← نزول قرآن
 آخرین آیه منسوخ ← آخر مانسوخ
 آیات جهاد ← آیات حربی
 احتیابک ← حذف احتیابک
 اختزال ← حذف اختزال
 اقتطاع ← حذف اقتطاع
 اکتفا ← حذف اکتفا
 أقصر آیات ← کوتاه ترین آیه
 أقصر سوره ← کوتاه ترین سوره
 اسلوب سور مکی ← ضوابط سور مکی
 ویژگی های سور مکی ← ضوابط سور مکی
 اسلوب سور مدنی ← ضوابط سور مدنی
 ویژگی های سور مدنی ← ضوابط سور مدنی
 شکل ← اعراب قرآن
 فرش الحروف ← فرش قرآنی
 پایه های اعجاز قرآن ← وجوه اعجاز قرآن
 رسم الخط عثمانی ← رسم عثمانی
 خط عثمانی ← رسم عثمانی
 شناخت قرآن ← شناخت تاریخ قرآن
 نزول تنجیمی ← نزول تدریجی
 غرائب قرآن ← غریب قرآن
 معانی القرآن ← تفسیر قرآن
 تجزئة القرآن ← اجزاء قرآن
 تفسیر محمود ← تفسیر ممدوح
 تناسق آیات ← تناسب آیات
 وجوه قرآن ← وجوه و نظایر قرآن
 تفسیر بلاغی ← تفسیر ادبی
 تفاسیر بلاغی ← تفاسیر ادبی
 مفسران بلاغی ← تفاسیر ادبی
 حروف تهجی قرآن ← حروف مقطعه قرآن
 حروف هجاء قرآن ← حروف مقطعه قرآن
 حروف رمزی قرآن ← حروف مقطعه قرآن
 سر سوره ها ← حروف مقطعه قرآن

تحزيب قرآن ← احزاب قرآن
 توجيه قراءات ← حجیت قراءات
 تحريف ناپذیری قرآن ← عدم تحریف قرآن
 مانند ناپذیری قرآن ← اعجاز قرآن
 رسم الخط معاصر ← رسم معاصر
 خواتیم سور ← خواتم سور
 قوارع قرآن ← آیات قوارع
 یادآور می شویم که برای نام بردن هریک از این اصطلاحات، استدلالی وجود دارد که برای اختصار از آوردن آن خودداری می کنیم، ولی برای نمونه چند مورد را با استدلال بیان می کنیم.
 برای «حروف مقطعه قرآن»، اصطلاح غیر مرجح «فواتح حروف مقطعی قرآن» در کتاب آورده شده و به آن ارجاع گردیده است، در حالی که «حروف هجاء قرآن»، «حروف رمزی قرآن»، «حروف تهجی قرآن» به عنوان اصطلاح غیر مرجح پیشگام است و در منابع علوم قرآنی فراوان به آنها اشاره شده است.
 همچنین اصطلاحات «اصول تفسیر»، «اشباه و نظایر»، «وجوه قرآن»، «احرف سبعة»، «احکام قرآن»، «فقه قرآن»، «شناخت قرآن»، «غرائب قرآن»، «معانی القرآن»، افزون بر استعمال فراوان آنها در منابع علوم قرآنی، عنوان ده ها کتاب و مقاله است که در همه کتابشناسی های مشهور علوم قرآنی می توان به نام آنها برخورد.

۳. حذف اصطلاحات (مرجّح و غیر مرجّح) که آوردن آنها با روش عملی کتاب سازگار است.^{۲۷}

هرچند در مقدمه کتاب از ریزه کاری های تدوین کتاب و گزینش اصطلاحات سخن به میان نیامده است، ولی از بررسی سیره عملی کتاب، می توان به قواعدی در این باره دست یافت. برای نمونه پس از بررسی حدود ۲۵ صفحه از کتاب و مقایسه اصطلاحات با یکدیگر، فهرستی نزدیک به دوست اصطلاح به دست می آید که در اصطلاح نامه نیامده است. در صفحات ۱۷۶-۱۸۶ و ۳۰۳-۳۰۷ کتاب، اصطلاحات مرکب فراوانی می بینیم که با واژه های «تفسیر»، «تفاسیر» و «مفسران» شروع شده است. از «تفسیر» معنای مصدری آن، و از «تفاسیر» کتاب های تفسیر، و از «مفسران» نویسندگان کتاب های تفسیر اراده شده است. پس از مقایسه این اصطلاحات مرکب در می یابیم که اصطلاحات فراوانی حذف و شبیه به آنها یاد شده

۲۷. در این بخش، گزینش اصطلاحات و پیشنهاد آوردن آنها در اصطلاح نامه، فقط براساس سبک و سیاق برگرفته از اصطلاح نامه است.

ترکمنی قرآن، ترجمه های کشمیری قرآن، مترجمان کشمیری قرآن، ترجمه های ویتنامی قرآن، مترجمان ویتنامی قرآن، ترجمه های بوسنی قرآن، مترجمان بوسنی قرآن، ترجمه های بلوچی قرآن، مترجمان بلوچی قرآن. ولی در اصطلاح نامه حدود ۶۵ ملیت، زبان و لهجه دنیا در قالب اصطلاحات «ترجمه های ... قرآن» و «مترجمان ... قرآن» فهرست شده است، و از موارد یاد شده و نیز ادامه آن، اصطلاحی آورده نشده است.

ج. ناهماهنگی در سیستم ارجاعات

سیستم ارجاعات در فرهنگ ها، دایرةالمعارف ها، فهرست ها و اصطلاح نامه ها دارای دو فایده اصلی است: اول آن که خواننده را با اصطلاحات مترادف و شبه مترادف آشنا می کند؛ دیگر آن که در صورت تبادل یک اصطلاح غیر مرجح در ذهن خواننده، به آسانی می تواند با سیستم ارجاع به اصطلاح مرجح انتقال یابد؛ مانند: اعجاز ادبی قرآن ← اعجاز بیانی قرآن (بک: اعجاز بیانی قرآن).

آن گونه که از آمار داده شده در مقدمه کتاب برمی آید،^{۲۹} تقریباً برای هر اصطلاح مرجح (توصیفگر) به طور میانگین، دو اصطلاح غیر مرجح (غیر توصیفگر) وجود دارد، ولی با نگرش و جستجو در کتاب و بررسی سیره عملی آن، دیده می شود که اصطلاحات غیر مرجح براساس یک تقسیم منطقی و برگرفته از نوع کاربرد اصطلاحات، انجام پذیرفته است؛ مثلاً در بحث ترجمه قرآن، اصطلاح «ترجمه لفظی قرآن» به عنوان اصطلاح مرجح شناخته شده و اصطلاح دیگر، غیر مرجح (مترادف و شبه مترادف)، و به اصطلاح مرجح با علامت اختصاری (بک) ارجاع شده است، بدین گونه: ترجمه تحت اللفظی قرآن، ترجمه ادبی قرآن، ترجمه ادیبانه قرآن، ترجمه مساوی قرآن، ترجمه حرفی قرآن، ترجمه ظاهری قرآن، ترجمه مقید قرآن، ترجمه کلمه به کلمه قرآن، ترجمه لفظ به لفظ قرآن.^{۳۰}

۲۸. تاریخ ترجمه قرآن در جهان، جواد سلماسی زاده؛ القرآن الکریم فی عالم الترجمة والنشر والتکریم، جاسم عثمان مرغی؛ ویژه نامه مرکز ترجمه قرآن مجید به زبانهای خارجی (به مناسبت چهارمین نمایشگاه قرآن کریم)، محمد نقدی؛ کتابشناسی جهانی ترجمه ها و تفسیرهای چاپی قرآن مجید، عصمت بیناروق خالد ارن، ترجمه محمد آصف فکرت. (دو کتاب نخستین، در تدوین اصطلاح نامه علوم قرآنی، از مآخذ بحث ترجمه بوده است.

۲۹. اصطلاح نامه علوم قرآنی، ص ۱. آمار داده شده، براساس تقسیم منطقی، درست به نظر نمی رسد، زیرا شمارش واژه ها با یکدیگر تداخل دارد و از مجموع واژه ها در قالب های گوناگون، تعداد کل واژه ها به دست نمی آید، بنگرید.

۳۰. در ترادف ترجمه ادیبانه قرآن، با ترجمه تحت اللفظی قرآن، باید تأمل کرد.

است، در حالی که ظاهراً هیچ استدلالی در آوردن یک اصطلاح و نیارودن یک اصطلاح شبیه به آن وجود ندارد؛ مثلاً «تفسیر ادبی»، «تفاسیر ادبی» و «مفسران ادبی» را می یابیم، ولی در کنار آن فقط به «تفسیر قرآن به قرآن» و «تفاسیر قرآن به قرآن» برمی خوریم و اصطلاح «مفسران قرآن به قرآن» را نمی یابیم. شمار این گونه اصطلاحات یاد نشده در این بخش، حدود ۷۵ مورد است که به برخی از آنها اشاره می شود: تفاسیر بیانی قرآن، تفاسیر تابعین، تفاسیر دوران نهضت های اصلاحی، تفاسیر رمزی، تفاسیر تابعین تابعین، تفاسیر احکام قرآن، تفسیر احکام قرآن، مفسران عصر جدید، تفسیر تابعین شیعه، تفاسیر تابعین شیعه، تفسیر اصحاب ائمه، مفسران دوران نهضت های اصلاحی، تفسیر اتباع تابعین، مفسران فقهی، و ...

همچنین در صفحات ۱۶۲-۱۶ و ۲۸۵-۲۸۸ اصطلاحات مرکب فراوان دیگری می بینیم که با واژه های «ترجمه های» و «مترجمان» شروع شده است، مانند: «ترجمه های آسیایی قرآن»، «مترجمان آسیایی قرآن» و یا «ترجمه های آلبانیایی قرآن»، «مترجمان آلبانیایی قرآن» و ... ولی ۴۱ اصطلاح «ترجمه های ... قرآن» وجود دارد که اصطلاح «مترجمان ... قرآن» برای آن آورده نشده است که شش اصطلاح از این شمارش، مفهوماً از بحث خارج است، ولی ۳۵ اصطلاح دیگر با ترکیب «مترجمان ... قرآن» حذف شده است، در حالی که در مآخذ ترجمه قرآن، از آن مترجمان و یا اصطلاح «مترجمان ... قرآن» نام برده شده است. برخی از آنها این گونه اند: مترجمان اردویی قرآن، مترجمان پشتویی قرآن، مترجمان ترکی قرآن، مترجمان لاتینی قرآن، مترجمان کلاسیک قرآن، مترجمان کردی قرآن، و ...

اگر گفته شود که این اصطلاحات اخص بوده و در اصطلاحات اعم، تنها واژه «مترجمان» آورده شده است، ظاهراً نیکو به نظر نمی رسد، افزون بر آن که به این موارد در هیچ جا از کتاب اشاره نشده است تا استفاده کننده با پیش فرض های اصطلاح نامه نویسان آشنا گردیده باشد.

در همین جا یادآور می شویم، با توریق و جستجو در چهار کتاب درباره ترجمه قرآن و تاریخ آن،^{۲۸} حدود هشتاد اصطلاح مرجح و غیر مرجح به دست آمد که سزاوار بود. با توجه به سبک و سیاق اصطلاح نامه- از آنها یاد گردیده و در اصطلاح نامه فهرست می شد. برخی از آن اصطلاحات این گونه است:

ترجمه های سریانی قرآن، مترجمان سریانی قرآن، ترجمه های ارمنی قرآن، مترجمان ارمنی قرآن، ترجمه های ازبکی قرآن، مترجمان ازبکی قرآن، ترجمه های عبری قرآن، مترجمان عبری قرآن، ترجمه های ترکمنی قرآن، مترجمان



این نوع سیستم ارجاع، حکایت از گستردگی ارجاعات دارد، ولی درباره همه اصطلاحات - با وجود مترادفات فراوان آنها در منابع - این گونه اعمال نشده است. نمونه‌هایی که در زیر بند «ب» (شماره‌های ۲ و ۳) آورده شد، بخشی از این مصادیق است.

همچنین در نمونه‌های فراوانی، اصطلاحاتی که مطابق با قواعد عربی به «ین» جمع بسته شده‌اند، به اصطلاحات مترادفی که در فارسی با «ان» جمع بسته می‌شوند، ارجاع شده است، مانند: «حافظین قرآن» بک: «حافظان قرآن»، «مترجمین قرآن» بک: «مترجمان قرآن»، ولی این نوع ارجاع اگر هم صحیح باشد (آن گونه که در برخی از اصطلاح نامه‌های بین‌المللی، تفاوت رسم الخط برخی از کلمات لحاظ گردیده است)، نیاز به یک روند منطقی و منظم دارد؛ به عنوان نمونه بنگرید:

اصطلاحات «مترجمان ... قرآن» حدود ۴۸ بار به کار رفته است، ولی فقط چهار بار اصطلاح «مترجمین ... قرآن» به «مترجمان ... قرآن» ارجاع شده است، بدین گونه: مترجمین آسیایی قرآن، مترجمین اروپایی قرآن، مترجمین آفریقایی قرآن، مترجمین قرآن، و اصطلاحات دیگر ارجاع نشده است. اگر گفته شود که این چهار نمونه، اصطلاح اعم (ع.ا) بوده، از این رو ارجاع در آنها آورده شده است، در جواب می‌گوییم که اصطلاح «مترجمین قرآن» نسبت به همه ۴۷ اصطلاح دیگر اعم است و اصطلاحات «مترجمین آسیایی قرآن»، «مترجمین اروپایی قرآن»، «مترجمین آفریقایی قرآن» اخص است، هر چند نسبت به اصطلاحات زیر بخش خود، اعم هستند. افزون بر آن که این نوع اعمال سلیقه، در مقدمه برای خواننده توضیح داده نشده است. نیز اگر گفته شود که در مآخذ علوم قرآنی، فقط به همین چهار اصطلاح برخورد شده که با «ین» جمع بسته شده، می‌گوییم که در مآخذ «اصطلاح نامه علوم قرآنی»، اصطلاحات «مترجمین فرانسوی قرآن»، «مترجمین آلمانی قرآن»، «مترجمین انگلیسی قرآن»، «مترجمین ایتالیایی قرآن»، و ... به چشم می‌خورد.^{۳۱}

همچنین دو اصطلاح «تراجم قرآن» و «تراجم قدیم قرآن» به اصطلاحات «ترجمه‌های قرآن» و «ترجمه‌های قدیمی قرآن» ارجاع شده است، ولی ده‌ها اصطلاح دیگر، همچون:

«تراجم جدید قرآن»، «تراجم اروپایی قرآن» که در مآخذ اصطلاح نامه آمده، به اصطلاح مرجع ارجاع نشده است، از این رو آوردن دو اصطلاح یاد شده در اصطلاح نامه ترجیح بدون مرجع است.^{۳۲}

و یا اصطلاحات مرکب فراوانی، با پیش واژه «مفسران»

آورده شده که حتی یک مورد «مفسرین» به آن ارجاع نشده است. در این بخش نمونه‌هایی از این دست بسیار فراوان است که به یک سیستم منطقی تدوین شده، نیاز دارد.

د. استاندارد نبودن برخی از اصطلاحات

هر چند ممکن است برخی از قرآن پژوهان با توجه به تعریف خاصی که از اصطلاح پذیرفته‌اند، موارد فراوانی از واژه‌های اصطلاح نامه را «اصطلاح» به شمار نیاورند، ولی با توجه به این که در اصطلاح نامه‌ها یک نوع توسعه معنایی در کاربرد اصطلاح می‌بینیم، از این رو شمارش بسیاری از اصطلاحات، از تعریف اصطلاح بیرون نیست، هر چند که موارد غیر استاندارد در این اصطلاح نامه هم کم نیست، مانند: خضوع و خشوع هنگام قراءت (ص ۲۰۲)، خلوص نیت در قراءت (ص ۲۰۶)، صورت انسانی جبرئیل (ص ۲۴۴)، طهارت جسم و روح هنگام قراءت (ص ۲۴)، سکوت هنگام استماع قرآن (ص ۲۱۵)، فضیلت تعلیم و تعلم در قرآن (ص ۲۵۷)، مصحف مسجد اعظم قرطبه (ص ۳۰۲)، اجرت تعلیم و تعلم قرآن (ص ۱۱۴)، نارسایی در ضبط قراءت (ص ۳۱۲)، و مکان‌های فضیلت قراءت قرآن (ص ۳۰)، و ...

هـ. گستردگی ناهنجار اصطلاحات کمکی (چک لیست) و

اصطلاحات مرکب

اصطلاح مرکب به اصطلاحی گفته می‌شود که از ترکیب چند واژه ساخته شده باشد، چه هر واژه آن، اصطلاح مستقلی باشد، مانند: آیات مدنی قرآن، و چه واژه آغازین آن، اصطلاح کمکی باشد، مانند: ادله نسخ. در به کارگیری این گونه اصطلاحات، خصوصاً از نوع اصطلاح کمکی آن، گستردگی غیر منطقی فراوانی وجود دارد که با مآخذ علوم قرآنی نیز سازگاری ندارد. اینک به مواردی از آنها اشاره می‌کنیم:

«احادیث اسباب نزول» و شبیه به آن، نه مورد،^{۳۳} «اخبار نسخ»، «حدیث سبعة احرف» و شبیه به آن، چهار مورد، «فوائد اختلاف قراءت» و شبیه به آن، چهار مورد، «ادعیه تلاوت قرآن» و شبیه به آن، دو مورد، «معانی ادوات قرآن» و شبیه به آن

۳۱. رك: تاريخ ترجمة قرآن در جهان، ص ۱۶، ۵۲، ۵۷، ۶۸. ولی در این گونه موارد، یادآوری در مآخذ ملاک نیست، بلکه پیروی از استعمال اصطلاح و یک نظم منطقی ملاک و معیار است.

۳۲. همان، ص ۷۰، ۸۰، ۸۲، ۱۰۲.

۳۳. یعنی اصطلاحات مرکبی که با واژه «احادیث» شروع شده و همگی تقریباً در یک سبک و سیاق هستند، نه مورد در اصطلاح نامه آمده است، مانند: «احادیث اسباب نزول»، «احادیث ترتیب قرآن»، «احادیث تفسیری»، و ...

پنج مورد، «معنای لفظی نسخ»، «معنای اصطلاحی نسخ»، «تعریف تأویل» و شبیه به آن ۲۵ مورد، «تعریف لغوی تأویل» و شبیه به آن، دوازده مورد، «تعریف اصطلاحی تأویل» و شبیه به آن، دوازده مورد، و ده ها اصطلاح دیگر که در این قالب آورده شده است، همچون: «راه های شناخت ...»، «روش ...»، «غرض ...»، «ویژگی های ...»، «نظریه ...»، «اغراض ...»، «اهداف ...»، «انگیزه ...»، «ادله ...»، «مشبتهین ...»، «منکرین ...» و ...^{۳۴}

درباره این گونه اصطلاحات که بسیار فراوان است، اولاً مواردی از آنها در قالب اصطلاح نمی گنجد، همچون اصطلاحاتی که با واژه های «تعریف»، «تعریف لغوی»، «تعریف اصطلاحی»، «معنای لفظی»، «معنای اصطلاحی» آغاز شده است. ثانیاً در صورت کاربرد برخی از آنها، باید درباره همه مباحث عمده علوم قرآنی این اصطلاح کمکی گسترش یابد تا همه اصطلاحات را دربر گیرد؛ مثلاً بنا بر درست بودن این گونه اصطلاحات، موارد فراوانی از آنها آورده نشده است، زیرا همه یا بیشتر مباحث عمده علوم قرآنی دارای «تعریف»، «اهداف»، «انگیزه»، «فواید»، «مشبتهین»، «منکرین»، «روش»، «احادیث»، و ... است که در اصطلاح نامه به چشم نمی خورد، مانند: «فواید مکی و مدنی»، «مشبتهین معربات قرآن»، «منکرین معربات قرآن»، «مشبتهین صرفه»، «منکرین صرفه» و ده ها نمونه دیگر که می توان در منابع علوم قرآنی به گونه ای گسترده به بررسی آن پرداخت.

۱. حذف برخی از زیربخش های اصطلاحات

در بخش نخستین کتاب (نمایش الفبایی) در زیر هر اصطلاح به تناسب، یک یا چند اصطلاح مرجح (یک)، غیر مرجح (بج)، اعم (ع.ا)، اخص (ا.خ)، وابسته یا همبسته (ا.و)، رأس (ا.ر)، یادداشت دامنه (ی.د)، و عبارت راهنما، دیده می شود که همگی بر اساس یک نظم منطقی چیده شده است؛ مثلاً در زیر یک اصطلاح اخص، مانند: «نزول تدریجی قرآن»، اصطلاح اخص دیگری با علامت اختصاری (ا.خ) دیده نمی شود، زیرا اخص اخص و اعم اعم را در زیر هر اصطلاح یادآور نمی شوند. بلکه در زیر این اصطلاح، اصطلاح اعم (ع.ا)، «نزول قرآن» دیده می شود. این زیر مجموعه های اصطلاحات، از سودمندترین موارد برای یک پژوهشگر علوم قرآنی است، زیرا جایگاه اصلی هر اصطلاح و ارتباط آن را با مجموعه اصطلاحات علوم قرآنی درمی یابد. ولی گاهی برخی از اصطلاحات زیربخش ها حذف شده و برخی از تناسب منطقی برخوردار نیست، مانند: حذف اصطلاحات وابسته (ا.و)

«تفسیر عرفانی»، «مفسران عرفانی» از زیربخش اصطلاح «تفاسیر عرفانی»، (ص ۱۷۸)، و «منکرین تفسیر به رأی» از «تفسیر به رأی»، (ص ۱۸۲)، و «تفاسیر صحابه» از «تفسیر صحابه»، (ص ۱۸۳)، و «تفسیر به رأی» از «منکرین تفسیر به رأی»، (ص ۳۱۱)، و «سور» از «ثواب سور»، (ص ۱۰)، و «منابع کتابی علوم قرآنی» از «منابع غیر کتابی علوم قرآنی»، (ص ۳۱۰)، و «منابع غیر کتابی علوم قرآنی» از «منابع کتابی علوم قرآنی»، (ص ۳۱۰)، و ...

نمونه های دیگری از فهرست یک رده که اصطلاحات اعم (ع.ا) از زیربخش های اصطلاحات حذف شده اند، بدین گونه است: «تفاسیر قرآن» از «تفاسیر تابعین»، (ص ۱۷۷)، «تفاسیر قرآن» از «تفاسیر صحابه» (ص ۱۷۸)، «تفسیر اهل سنت» از «تفسیر حنفیه»، (ص ۱۸۳).

برخی از زیربخش ها نیز با اصطلاح اصلی سازگاری ندارد، برای نمونه اصطلاح «قرآن»، (ص ۲۵) دارای شش اصطلاح وابسته است که دست کم اصطلاح «تضمین قرآن» و «تکسب به قرآن» به عنوان وابسته سازگار نیست و اصطلاحات «ترجمه قرآن» و «تفسیر قرآن» سازگارتر است.

چند نکته

۱. امید است در ویرایش دوم این اثر، همه کاستی های آن به گونه ای شایسته برطرف گردد، تا به عنوان نخستین کتاب درباره اصطلاحات علوم قرآنی، ماندگار و ثبت شود.
۲. پس از ویرایش دوم (اصلاحات و اضافات)، پیشنهاد می شود با استفاده از منابع عربی علوم قرآن، و نیز بهره گیری از این کتاب، اصطلاح نامه علوم قرآنی به زبان عربی تدوین شود (نه تعریب) تا جای خالی این اثر را در بین عرب زبانان پر سازد.
۳. و نیز چایی از اصطلاح نامه به صورت مستند (هر اصطلاح با ذکر مأخذ و کتابی که اصطلاح در آن است) به بازار علم و دانش عرضه گردد، تا راهنمای پژوهشگران قرآنی باشد [خصوصاً مأخذ اصطلاحات نادر (غیر مشهور)].
۴. و همچنین یک یا چند پژوهشگر و سازمان که در حوزه علوم قرآنی تلاش می کنند، دایرة المعارف علوم قرآنی را که مدخل های آن از جرح و تعدیل اصطلاحات این کتاب به دست آمده است، سامان دهند. ان شاء الله.

○

۳۴. رك: اصطلاح نامه علوم قرآنی، بخش اول (نمایش الفبایی)، اصطلاحات بر اساس حروف الفبا فهرست شده است.